نگاهی به
عزاداری های حسینی

سید محمدعلی ایازی



بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به عزاداری های حسینی (علیه السلام)

نویسنده:

محمد علی ایازی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به عزاداری های حسینی

مشخصات کتاب

نگاهی به عزاداری های حسینی

سید محمد علی ایازی

مقدمه

همه می دانیم که مجالس یادبودی به نام حسین بن علی علیه السلام و نهضت عاشورا زیر نام «سوگواری» و «عزاداری» و «مرثیه سرایی» در طول تاریخ پس از حادثه کربلا برگزار گردیده و می گردد، و این مجالس یکی از مظاهر بزرگ و یکی از سمبل های حیات مذهبی و معنوی علاقه مندان به اهل بیت عصمت علیهم السلام بوده است. و این مجالس و اجتماعات در بیداری و آگاهی و نشر فرهنگ اسلامی و توجه به حقایق دین تأثیر بسزایی داشته و نقش حیاتی و بزرگی را ایفا کرده است. زیرا حادثه کربلا حماسه جاودانه ای است که در اعماق وجود ملت ما اثر گذاشته و با پوست و گوشت مردم ما عجین شده است، به گونه ای که مردم در طول زندگی بارها و بارها آن را می شنوند، تکرار می کنند، مجالس برگزار می کنند، ساعت ها از وقت مردم صرف شنیدن همان حادثه با ذکر خصوصیات آن می شود و دوست دارند برای برپایی چنین امری روزهایی در سال وقت بگذارند و آنان از این کار نه تنها خسته نمی شوند و احساس تکرار نمی کنند؛ بلکه با شنیدن آن قلب ها به تپش می افتد، دل ها به سوز می آید، و چشم ها اشکبار می شود.از طرف دیگر، مردم به عشق حسین، چه مخارجی را هزینه می کنند، ساختمان ها به نام حسین می سازند، مجالس کوچک و بزرگی به پا می کنند، دسته ها و هیئت ها به راه می اندازند، امکانات عظیمی را در یاد این حادثه و تعظیم و تکریم آن به کار می گیرند، حتی کسانی که از امام حسین علیه السلام تجلیل می کنند و ذاکر و مداح و واعظ می شوند به برکت آن حضرت مورد احترام خاصی

قرار می گیرند. همه اینها نشان از سترگی کار حسینی و عظمت تأثیر آن در دل ها و قلب ها و عظمت تأثیر اجتماعی آن در طول تاریخ است.بحث و تبیین از همه ابعاد این قضیه در این وجیزه ممکن نیست، آنچه مطرح است و مناسب پیگیری و ارائه بحثی را می طلبد این است که آیا تمام این حرکت ها به خوبی انجام می گیرد و عزاداری و مرثیه سرایی مطابق با روح و فلسفه قیام حسینی است و نیازمند ارزیابی نیست؟ به تعبیر دیگر، آیا نتیجه مطلوب از همه این مجالس گرفته می شود و این امکانات عظیم و وصف ناشدنی همه ساله و همه ماهه و همه روزه این کشور و آن کشور، این شهر و آن شهر، این حسینیه و آن حسینیه و این خانه و آن خانه، در جهت مطلوب به کار گرفته می شود، و اگر به کار گرفته نمی شود آیا راه حلی و پیشنهادی موفق برای بهبود کار وجود دارد، و آیا می توان این موضوع را به خوبی بررسی و تحلیل کرد و راهکار مناسبی را ارائه داد، یا باید این کار را رها کرد و از اصلاح و بهبود و بازسازی و ارزیابی جدید آن دست کشید و کار را همین طور رها کرد، و هر چه پیش آمد خوش آمد!این نوشته کوتاه در پی تبیین این موضوع است، و نویسنده آن درد و داعیه ضرورت ارزیابی نسبت به حرکت را دارد و معتقد به لزوم اصلاح مجالس عزاداری حسینی است. اما این نگرانی را هم دارد که مبادا طرح، ارزیابی و اصلاح آن به کلیت عزاداری و اقامه مجالس آسیب رساند و عظمت حرکت شکوهنده و مثبت

عزاداری حسینی را زیر سؤال برد، لذا معتقد است که باید گام به گام حرکت کرد و طرح مسائل را به گونه ای عنوان کرد که این شبهه پیش نیاید که منظور از این بحثها تردید در بر پا کردن مجلس و محافل و دسته ها و یا کم رنگ کردن آنها است، یا این مشکل همه جایی است و شامل همه محافل می شود و یا گریستن و گریاندن کم شأنی در بزرگداشت حماسه کربلا دارد.در حقیقت این وجیزه تنها در جهت بهبود این روند با زبان ارزیابی و بررسی در ابعاد مسئله، و یافتن راه حلی برای معقول و منطقی کردن این حرکت و اصلاح آن است. طبعاً این حرکت اگر به خوبی انجام گیرد و مقدمات آن مورد توجه قرار گیرد، موجب پیشگیری از سوء استفاده دشمنان و شبهه دار نشدن نیروهای جوان و تحصیل کرده خواهد شد، و امکانات به کار رفته در جهت مطلوب صرف خواهد شد، بگذریم از این نکته بسیار مهم که حماسه عاشورا و عزاداری حسینی اختصاصی به شیعه ندارد و نباید آن را منحصر در مذهبی خاص کرد، اما گاه حرکت و رفتار ما به گونه ای است که از توجیه منطقی آن عاجزیم و از تطبیق دادن عزاداری با فلسفه حماسه عاشورا غافل، و لذا نمی توانیم آن را به همه ملت ها گسترش دهیم.

گفتاری از مصلحان معاصر در باب اصلاح عزاداری ها

اشاره

پیش از ورود در بحث به آهنگ تمهید چند گفتاری از اندیشمندان و مصلحان معاصر نقل خواهیم کرد و نگرانی آنان را نسبت به وضعیت موجود به عنوان مثال می آوریم تا روشن شود که این نگرانی همگانی است و مصلحان و بزرگان ما نسبت به این وضعیت خشنود

نبوده و نیستند و اگر کمتر سخن گفته اند، دلایل دیگری داشته است.پیش از دوران ما مرحوم میرزا حسین نوری – از دانشمندان قرن سیزدهم – از پیشگامان تصحیح مرثیه سرایی است. وی کتابی دارد به نام لؤلؤ و مرجان که در این کتاب به لزوم توجه به صحت نقل تاریخ و دقت در استناد صحیح عزاداری ها تأکید می کند و نگران وضعیت روضه خوانی هاست.پس از وی مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری بنیانگذار حوزه علمیه قم و مرحوم آیت اللّه بروجردی هستند که در این زمینه تلاش وافری نشان دادند و نسبت به شکل برخی از عزاداری ها و اداره مجالس اعتراض داشتند و در این زمینه اقدامات عملی نیز انجام دادند.حضرت امام خمینی رحمه الله در عصر ما از کسانی است که نهضت خود را بسیار متأثر از قیام عاشورا می دانست و نسبت به برگزاری مجالس و محافل مرثیه خوانی و حرکت هیئت ها و تحفظ بر آنها تأکید بسیار می کرد و در موارد گوناگون به این موضوع سفارش می نمود، تا آنجا که می فرمود:مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر حکومت طاغوت است هر چه باشکوه تر و فشرده تر بر پا شود و بیرق خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم، هر چه بیشتر افراشته شود. [۱] .و نیز تأکید می کردند که باید جهت این عزاداری ها هم مشخص شود و ابعاد سیاسی نهضت حسینی فراموش نشود:مجلس عزا، نه برای این است که گریه بکنند برای سید الشهداء و اجر ببرند – البته این هم هست – و دیگران را اجر اخروی

نصیب کنند؛ بلکه مهم آن جنبه سیاسی است که ائمّه ما در صدر اسلام نقشه اش را کشیده اند که تا آخر باشد و آن، این اجتماع تحت یک بیرق، اجتماع تحت یک ایده، و هیچ چیز نمی تواند این کار را به مقداری که عزای حضرت سید الشهداء در او تأثیر دارد، تأثیر بکند. [۲] .اما همین امام بارها بر خطبا و وعاظ و ذاکرین سفارش می کردند که وضعیت مجالس را دگرگون کنند و مجالس را در جهت هدایت و ذکر احکام و بیان فلسفه قیام تغییر دهند و از کارهای ناروا در هیئت ها پرهیز کنند و قضایای خلاف واقع را بازگو نکنند، و دست افراد بی اطلاع از مسائل اسلام را از این مجالس کوتاه کنند، و لازم است جهات شرعی در دستجات محفوظ بماند، به نمونه ای از این سخنان توجه شود:اینجا باید یک سخنی هم در خصوص عزاداری و مجالسی که به نام حسین بن علی به پا می شود بگوییم: ما و هیچ یک از دینداران نمی گوییم که با این اسم هر کس هر کاری می کند خوب است. چه بسا علمای بزرگ و دانشمندان، بسیاری از این کارها را ناروا دانسته و به نوبت خود از آن جلوگیری کردند، چنانچه می دانیم که در بیست و چند سال پیش از این، عالم عامل بزرگوار مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری که از بزرگ ترین روحانیون شیعه بود در قم شبیه خوانی را منع کرد و یکی از مجالس بسیار بزرگ را مبدل به روضه خوانی کرد، و روحانیون و دانشمندان دیگر هم چیزهایی که برخلاف دستور دین بوده منع کرده و می کنند. [۳] .و در جایی دیگر تأکید می فرمایند

که چیزهای ناروا بایـد از نهضت حسـینی تصـفیه شود و دست افراد بی اطلاع از اسـلام کوتاه شود:باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شـما محفوظ بمانـد، بایـد این سنّت هـا را حفـظ کنیـد، البته اگر چنـانچه چیزهـای نـاروایی بوده است سـابق، و دسـت اشـخاص بی اطلاع از مسائل اسـلام بوده، آنها باید تصـفیه بشود. [۴] .مرحوم اسـتاد شـهید مرتضی مطهری از کسانی است که چنین احساسـی را داشـته و از اصـلاح و بازسـازی مراسم و محافل عزاداری سـخن می گویـد و در سـخنرانی های خود بارها و بارهـا نسـبت به دگرگونی مجـالس و کنترل نقلیـات مرثیه ها سـخن گفته است، و در کتاب حماسه حسـینی این انـدیشه کاملاً مشـهود است. ایشـان در جایی می گویـد:از طرف اولیاء دین پیشـنهاد شـده که اقامه عزای حسـین بن علی علیه السـلام بشود و قبرش زیـارت بشود و او به عنوان یک فـداکار بزرگ، همیشه نامش زنـده و پاینـده باشـد. این موضوع تـدریجاً سـبب شـد که بعضـی مرثیه خوانـان حرفه ای پیـدا شونـد و کم کم مرثیه خوانی به صورت یـک فن و هنر از یک طرف، و وسـیله زنـدگی از طرف دیگر درآیـد. از طرفی فکری پیـدا شود که چون گریانـدن برای اباعبـداللّه ثواب جزیـل و اجر عظیم دارد، پس به حکم: «الغایاتُ تُبَرِّرُ الْمَبادِی» هدف وسـیله را مباح می کند، از هر وسیله ای می شود استفاده کرد. اینجاست که جعل و دروغ در نظر عده ای مشروع می شود. [۵] .در جایی دیگر ایشان مبارزه با دروغ زنی را وظیفه علمای اسـلام می داند و برخورد با شیوه های غلط و نامشـروع را از نمونه های امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با بـدعت ها می دانـد.وظیفه علمای امت در این باب به طور

عموم و در این حادثه به طور خصوص [این است] که: «إِذا ظَهَرَتِ الْبِدَعُ فَعَلَی الْعالِم اَنْ یُظْهِرَ عِلْمَهُ وَ اِلّا فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللّهِ»،[هر آنگاه که بدعت ها در میان مردم رواج پیدا کرد، بر علما و دانشمندان است که علم خود را آشکار کنند و حق را بگویند، وگرنه به لعنت خدا گرفتار می شوند]، «وِ اِنَّ لَنا فِی کُلِّ خَلَفٍ عُدُولاً یَنْفُونَ عَنّا تَحْریفَ الغالِینَ وَ انْتِحالِ الْمُبْطِلینَ» [۶] و وظیفه ملت مسلمان در این باب به طور عموم و در این حادثه به طور خصوص از نظر حرمت شرکت در استماع و لزوم مبارزه عملی و نهی از منکر است. [۷] .استاد محمّدرضا حکیمی با تأثری شدید این مشکل را مطرح کرده اند و از نابسامانی و بی محتوا شدن مجالس عزاداری و در دست ناآگاهان افتادن این محافل اظهار تأسف کرده اند:با کمال تأسف و تأثر اشعار مرثیه و عزا راه انحطاط عجیبی پیموده است... اکنون کمتر اثری از مفاهیم مقاومت و تعهد و پرخاشگری علیه ستم و ستمگران و درگیری با جباران و طاغوتان روزگار در اشعار و نوحه های مذهبی به چشم می خورد، کمتر در آن درس ایمان و اخلاق و روش زندگی دیده می شود. اشعار با تکرار جملات مهمل و بی خاصیت و بی معنا رونق بخش بسیاری از مجالس عزا و مصیبت شده است. عزاداری و سینه زنی و زنجیرزنی هیئت های مذهبی در خدمت کارهای بی محتوا و در دست افراد ناآگاه و غیر دانا به امور دین و مذهب واقع شده است. در اینجا کسی نیست که بگوید، عزاداری و مرثیه سرایی و ذکر حماسه حسینی برای هدف و فلسفه ای بوده است که اگر آن

هـدف و فلسـفه و محتوا نباشد، فایده و اثری بر آن مترتب نخواهد بود. اگر مجالس در آن تعلیم دین و بیان معارف اسـلامی و درس اخلاق و انسانیت نباشـد، خاصـیت نخواهد داشت. [۸] .اسـتاد شـهید هاشـمی نژاد نیز تأثر خود را نسبت به تشکیل برخی انجمن ها و محافل مرثیه خوانی با شـکل منحرف شـده ابراز می دارد و این روند را غم انگیز و مبتذل و ذلت آور یاد می کند، وی در کتاب خود می نویسد:در این انجمن ها که به نام رهبر آزادگان جهان تشـکیل می گردد، متأسفانه گاهی نه تنها در راه نشـر اصول و معارف اسـلام و روشن ساختن هـدف اصـلی نهضت قـدمی برداشـته نمی شود، بلکه مطالب و سـخنانی ایراد می گردد که بـا حقایق دین و واقعیات اسـلام و مقصـد اصـلی حسـین بن علی علیه السـلام فرسـنگ ها فاصـله دارد و درست نقطه مخـالف نهضت حسـینی است.آیـا این غم انگیز نیست که خـاطره های حیات بخش نینوا را که بر کالبـدهای اجتماعات مرده و ملت های سـتمدیده روح آزادی و زنـدگی می دهـد و حوادثی که در آن سـرزمین عـدل و آزادی واقع شـد که هر یک عالی ترین درس عزت و آزادگی و فضـیلت را به جهان انسانیت می دهـد، به صورت بسـیار مبتـذل و ذلت آوری یاد کنیم و مثلاً به بهـانه زبـان حـال از قول سالار شـهیدان بخوانیم: «شـدم راضـی که زینب خوار گردد». حسـین که خود در روز عاشورا ضـمن گفتارهـای گرم و آتشـین فریـاد می زد: هَیْهـاتَ مِنَّا الـذِّلَّه... آیا با این منطق سازش دارد که ما به آن حضـرت و یاران عزیزش نسبت خواری و ذلت بدهیم. [۹] .موارد تأثر و برخورد ارشادی نسبت به وضعیت موجود عزاداری از ناحیه اندیشمندان و

آگاهـان کم نیسـتند، و نمی توان در این نوشـته کوتاه یکایک آنان را نقل نمود و نگرانیشان را منعکس کرد، و ما تنها به چند مـورد اشـاره کردیم، تـا پیش درآمـدی باشـد برای ورود در بحث و تحلیـل و تفسـیر از چگونگی برگزاری مجـالس و محـافل عزاداری و تعظیم حماسه حسینی.پیش از ورود در آن مباحث، در آغاز اشاره ای خواهیم داشت به تاریخچه و چگونگی شکل گیری مجـالس عزاداری و اینکـه چگـونه شـد کـه عزاداری پس از قضـیه عـاشورا به تحقـق پیـوست، و اصولاًـ فلسـفه عزاداری اباعبداللّه چه بود و چه شد که ائمّه معصومین علیهم السـلام دستور به مرثیه سرایی دادند، و استوانه های تعظیم و تجلیل در این عزاداری ها چیست؟ نقش گریه و توجه به احساسات چیست و ابعاد عقلانی و محتوا و هسته اصلی در عزاداری ها کدام است؟ آنگاه به بحث خود یعنی چگونگی برگزاری عزاداری حسـینی خواهیم پرداخت، زیرا در سایه فهم تاریخچه و فلسـفه عزاداری، این چگونگی ها روشن می گردد و نگرانی های موجود واضح می شود.

تاریخچه شکل گیری مجالس عزاداری

حکومت بنی امیه پس از شـهادت امـام علیه السـلام در تنگنایی دشوار قرار گرفته بود، از طرفی می بایست نشان دهـد که با هر حرکت انقلابی برخورد می کنـد و آن را سـرکوب می کنـد و از طرفی اعـتراف به قتـل فرزنـد رسول خداصـلی الله علیه وآله دشواری هایی را برای او به وجود می آورد، بـدین جهت سـعی نمود تا نشان دهـد که آن حضـرت یک فرد مهاجم و طغیانگر بوده است و یزیـد برای حفـظ نظم و به هم نخوردن نظم اجتماعی و حفظ کیان اسـلام دست به چنین کاری زده است. بـدیهی است که این تبلیغات دامنه دار و گسترده در کوفه و شام و دیگر بلاد

اسلامی به وسیله دستگاه های دولتی و با صرف مخارج هنگفت و بی حساب مملکت می توانست تا حدی کارساز باشد و در آغاز تأثیر چشمگیری در محیط خفقان و ترس آور آن زمان داشته باشد. افزون بر آن، حکومت گروهی از جاعلان اخبار و دنیاپرستان قدرت مدار و ظاهرفریب را مأمور جعل حدیث کرده بود تا روز عاشورا را روز عید و برکت و شادی معرفی کنند و از زبان پیامبر چنین نقل کنند:کسانی که این روز را روز عید و جشن قرار دهند، پاداش نیکو به وی خواهند داد. [۱۰] .هدف از این تبلیغات و جعل حدیث این بود که مردم را از توجه به حادثه غم انگیز و حزن آور کربلا دور سازند و از آثار تخریبی کار زشت خود جلوگیری کنند. و طبیعی بود که با عید شدن روز عاشورا دیری نمی پایید که مسلمانان، ناآگاه از همه جا، روز عاشورا را روز عید مذهبی بشناسند و آن روز را شادی کنند، و حوادث عاشورا را به فراموشی سپارند. در چنین محیط مسموم آکنده از تبلیغات، اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله به روشن کردن افکار پرداختند و تبلیغات و فریب کاری آنها را به شکل های گوناگون خنثی ساختند، که یکی از آن روش ها دستور برگزاری مجالس ذکر مصیبت اباعبداللّٰه و مرثیه خوانی و ذکر اشعار و بیان وقایع روز عاشورا و معرفی کردن روز عاشورا به عنوان روز عزا و مصیبت و فضیلت گریه کردن و گریاندن بود.این روش کار خود را کرد و تأثیر بسزایی در جامعه مسلمین آن زمان بویژه در میان علاقه مندان به اهل بیت داشت، به گونه ای که تبلیغات یزیدیان را بر باد داد و

مجالس و محافل عزا در روز عاشورا بر آن شادی های دروغین و ساختگی چیرگی یافت و خود حماسه ای دیگر شد، زیرا مجالس عزاداری پایگاه نگهداری از نهضت و قیام حسینی شد و آن نقشه شوم فراموش سپاری نهضت حسینی خنثی شد. این حرکت از دو جهت قابل توجه بود، یکی از آن جهت که می توانست این مشعل را همیشه پر فروغ و سوزان نگه دارد، و دوم، از این جهت که حسین علیه السلام الگو و سمبل مبارزه با ستمگران شود و محافل و مجالس حسینی کانون مبارزه و عدالت خواهی گردد، و علاقه مندان به اهل بیت را به طور طبیعی و هماهنگ دور هم جمع نماید. در توصیف این حرکت گفته شده است:ائمّه اطهار از این جهت گفتند عاشورا زنده بماند که این مکتب زنده بماند. برای اینکه اگرچه شخص حسین بن علی علیه السلام نیست، ولی حسین بن علی علیه السلام باید به قول امروز یک سمبل باشد، به صورت یک نیرو زنده باشد. حسین اگر خودش نیست، هر سال محرم که طلوع می کند، یک مرتبه مردم از تمام فضا بشنوند: «أَلا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْباطِلَ لا يُتَناهى عَنْه»؛ برای اینکه از راستی و حقیقت، شور و حیات، شور امر به معروف، شور نهی از منکر، شور اصلاح مفاسد امور مسلمین در میان مردم شیعه پیدا بشود. [۱۱] .حضرت امام خمینی در توصیف این حرکت با نگاهی دیگر ریشه تاریخی عزاداری را تحلیل کرده اند:عمق ارزش مجلس های عزاداری کم معلوم شده است، و شاید پیش بعضی هیچ معلوم نشده است. اینکه در روایات ما برای یک قطره اشک برای مظلوم کربلا آنقدر ارزش

قائلند، حتی برای تباکی (به صورت گریه درآمدن) ارزش قائلند، نه از باب این است که سید مظلومان احتیاج به این کار دارد، بـه این است که فقـط برای ثـواب بردن شـما و مسـلمین باشـد - گرچه همه ثـواب هـا هست - لکن چرا این ثـواب را برای این مجـالس عزا آنقـدر عظیـم قرار داده شـده اسـت... کم کم این مسـئله از دیـد سیاسـی اش معلـوم می شـود... آن روزی که این روایـات صـادر شـده است، روزی بوده است که این فرقه نـاجیه مبتلاـ بودنـد به حکومت اموی و بیشتر عباسـی و یک جمعیت بسـیار کمی، یک اقلیت کمی در مقابل قـدرت های بزرگ. در آن وقت برای سازمان دادن به فعالیت سیاسـی این اقلیت، یک راهی درست کردنـد که این راه خودش سازمانـده است. و آن، نقـل از منابع وحی، به اینکه برای این مجالس این قـدر عظمت هست، و برای این اشـک ها آنقـدر، در حول و بر این اشک ها و عزاداری ها: شـیعیان با اقلیت آن وقت اجتماع می کردنـد، و شاید بسـیاری از آنها نمی دانستند مطلب چه هست، ولی مطلب سازماندهی به یک گروه اقلیت در مقابل آن اکثریت ها، و در طول تاریـخ، این مجالس عزا که یک سازمانـدهی سرتاسـری کشورها هست... در مقابل حکومت هایی که پیش می آمدنـد و بنای بر این داشتند که اساس اسلام را از بین ببرند. [۱۲] .آری رفته رفته این محافل تبدیل به کانون هماهنگی شد، پایگاه تبلیغ شـد، مجالسـی شـد که در آن تفسـیر قرآن گفته می شـد، مسائل دین تعلیم داده می شـد، اصول عقایـد بیان می گشت، پنـد و اندرز می دادند، سیره علمی بزرگان توصیف می شد، روح حمایت از مظلوم و دشمنی با ستمگر

در بین مردم زنده می شد. علو همت، احساس شخصیت، درس غیرت، مساوات و برابری، عدالت خواهی، ظلم ستیزی، روحیه ایثار و از خود گذشتگی، درس اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، عفت و عصمت برای زنان، مروت و مردانگی، درس هایی بودند که از نهضت حسینی به جامعه دینی و محافل عزاداری انتقال می یافت.و خلاصه در جهان تشیع اگر احکام اسلام تبلیغ می شود، اگر اخلاق و عقاید دینی تشریح می گردد، و اگر ندای قرآن تا دورترین روستاها و حتی در بین عشایر خانه به دوش طنین می افکند همه اینها به برکت مجالس حسینی است، و زیر لوای آن حضرت و به نام آن حضرت تشکیل می گردد و این جاذبه شخصیت با عظمت حسینی و مکتب انسان ساز اوست که علاقه مندان به اهل بیت را به سوی خود جلب کرده است. و به برکت این دستور، محافل دینی را به صورتی پویا و پرتحرک و بانشاط درآورده است.

فلسفه عزاداری

اشاره

منظور از عزاداری و مرثیه سرایی و ایجاد توجه به مصیبت اهل بیت چیست؟ اینکه در روایات آمده است که گریه بر اباعبداللّه ثواب دارد، به چه معناست؟ آیا منظور از آن امر مخفی است و چون در روایات آمده است باید گریه کرد و گریاند بدون چون و چرا و کاری به فایده و حکمت و هدف از عزاداری نداشت و در جستجوی ثواب بود و یا آن دستورات بدین دلیل آمده است که جلب توجه به عزاداری نداشت و در جستجوی ثواب بود و یا آن دستورات بدین دلیل آمده است که جلب توجه به اهداف بلند آن حماسه سازان و راه آنان بشود و ثوابش در سایه چنین

توجهی حاصل می گردد؟به عبارت دیگر، ما در نماز دو مرحله داریم، مرحله «صحّت» و مرحله «قبول»، در مرحله صحت اگر کسی ارکان و واجبات نماز را انجام داد نمازش صحیح است، اگرچه با حضور قلب و توجه به معبود نباشد، اما مرحله قبول و تأثیر و جلوگیری از گناه در آنجایی است که افزون بر رعایت شرایط باید نماز با حضور قلب باشد، تا «تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ» باشد. «الصَّلوةُ مِعْراجُ کُلِّ تَقِّیٍ» در جایی است که مقدمات و مقارنات با صفای دل انجام بگیرد و انسان با توجه به فلسفه نماز در پیشگاه خدا قرار گیرد، در این مرحله است که هم نماز صحیح است و هم مقبول. آیا گریستن و عزاداری بر اباعبداللّه چنین است که هر کسی قطره ای اشک ریخت، هر کس که بود و به هر شکل که ریخت ثواب دارد و گناهانش بخشیده می شود، یا چنین نیست و عزاداری مشروط به شرایطی است و عزاداری دارای حکمت و علتی است و غرض از این دستور ثواب بردن نیست، گرچه کسی که آگاهانه و با توجه این محافل را ترتیب می دهد و در این مجالس شرکت می کند و از این مجالس بهره گیری می کند ثواب دارد و لذا باید برای خدا انجام دهد و قصد قربت شرط است؟برای پاسخ به این سؤال، لازم است ما کنکاشی در فلسفه عزاداری داشته باشیم و در این جهت به روح تعالیم اسلام توجه کنیم و دستگاه امام حسین را در راستای دستگاه خدا و سنّت های او بدانیم. در آن صورت است که پاسخ یاد شده روشن می گردد.بدون شک، فلسفه عزاداری حسین از فلسفه قیام

حسینی جدا نیست، چنان که شناخت سیر تطور و تحول عزاداری و ریشه ها و علل عزاداری در دوران ائمّه به ما چنین چیزی را می آموزد. دقیقاً همان عاملی که باعث شد حسین بن علی قیام کند و شهادت را با افتخار بپذیرد، دلیل و فلسفه ای است برای اقامه عزاداری او. اگر حسین به علی علیه السلام برای احیای اسلام و دفاع از قرآن و اقامه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد، عزاداری وی باید وسیله ای باشد برای ترویج اسلام و دفاع از قرآن واقامه عدل و ترویج امر به معروف و نهی از منکر. عزاداری که روح و بطن آن، این اهداف را به دنبال نداشته باشد و از محتوا و جهت گیری صحیح خالی باشد، نمی تواند با اهداف حسینی منطبق باشد.در جایی که امام صادق علیه السلام در زیارتی که خطاب به آن حضرت است، می فرماید: «لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلالَهِ وَ الْجَهَالَهِ وَ الْعَمَى وَ الشَّكِّ؛ [۱۳] او کسی است که با قیام خود سنّت بندگان خدا را از گمراهی و نادانی و کوری و شک نجات داد».باید عزاداری او هم چنین اثری داشته باشد و مرثیه او ما را از گمراهی و نادانی به هدایت رهنمون کند. امام باقرعلیه السلام در بیانی در توصیف این اجتماعات دقیقاً همین مسئله را بیان می کند و فلسفه عزاداری را در راستای احیای دین و اهل بیت و دستورات آنان می داند: «فَاِنَّ فِى اجْتِمَاعِكُمْ وَ مُذَاكَرَتِكُمْ إِحْيَاؤُنا، وَ خَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذاكَرَ بِأَمْرِنَا وَ عَادَ اِلَى ذِكْرِنَا». [۱۴] .به درستی که در گرد آمدن شما و سخن گفتن شما احیای ما است

و بهترین مردم پس از مـا کسـی است که ما را در یادها قرار دهـد و امر ما را در آن محافل مطرح کنـد و مردم را به سوی اهل بیت بخواند.بنابراین، محافل و مجالس عزاداری حسین احیای اندیشه اهل بیت و یادکرد فرهنگ آنان است. بزرگداشت ارزش های آنها و ترویج فکر و راه آنهاست. ثواب مرثیه داری و تحقق عزاداری با چنین فلسفه و مقصدی قابل حصول است.در جمله ای دیگر امام صادق نیز به فضـیل بن یسار می فرمایـد:«اَ تَجْلِسُونَ وَ تَتَحَدَّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ علیه السـلام: اَما اِنّی اُحبُّ تِلْکَ الْمَجالِسَ فَأَحْیُوا أَمْرَنـا، فَاِنَّ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا یُحْیی فیهِ اَمْرُنا لَمْ یَمُتْ قَلْبُهُ یَوْمَ یَمُوتُ الْقُلُوبُ». [۱۵] .آیا شـما در این مجالس مرثیه سرایی می نشینید و حدیث می کنید؟ گفتم: بلی. حضرت فرمود: بدانید که من البته این مجالس را دوست دارم. پس امر ما را زنده کنید، زیرا کسی که در این مجالس می نشیند [و فرهنگ و شعار و ارزش ها] و امر ما را در آن زنده می کند، هرگز قلب او نخواهد مرد در روزی که قلب ها می میرند.بنابراین، این دو حدیث – و دیگر احادیثی که در بیان ترویج این مجالس و محافل است – به ما یاد می دهد که احیای امر اهل بیت و زنـده کردن نام آنها که طبعاً ارزش ها و دسـتورات و سـیره و روش زنـدگی آنهاست به عنوان فلسـفه برگزاری مجالس خواهد بود.در جمله ای دیگر که منسوب به خود سالار شـهیدان و مشـهور است: «أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَهِ»؛ [۱۶] من کشـته عبرت هستم و در دعای حضرت هم از قول معصومین وارد شده است و جمله در جایی این طور نقل

شده است: «أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَهِ لا یَذْکُرُنِی مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ؛ [۱۷] من کشته عبرت هستم، مؤمنی من را یاد نمی کند مگر آنکه از این حادثه پند می گیرد». از این جمله به خوبی استفاده می شود که ذکر مصیبت و یاد آن حضرت و مرثیه سرایی و گریه کردن و راه انداختن دسته های عزاداری باید با این هدف باشد و چنین ثمره ای داشته باشد، و یادکرد وی در صورتی ارزشمند و ستودنی است و در شأن مؤمن است که مایه عبرت و درس گرفتن باشد.مرحوم شهید هاشمی نژاد در این باره می نویسد:خون حسین ریخته شد و نهضت مقدس او انجام گردید تا آن عباد گمراه، آن اجتماع سرگردان، آن ملت نادان و بی خبر از آن وضع دردناک خلاصی یابد، تا امت بصیرت پیدا کند و دانا شود، از گمراهی و ضلالت نجات یابد تا بداند چه می کند و به کجا می رود، به چه کسی بار می دهد و نیروی انسانی خود را در اختیار چه قدرتی می گذارد. آری اینهاست آن هدف هایی که امام صادق می گوید خون حسین علیه السلام به خاطر این هدف ها ریخته شد: «لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَهِ وَ حَیْرِهِ الضَّلالَهِ» و باید دوستان آن حضرت به این هدف ها آشنا گردند و برای رسیدن به آنها کوشش کنند. [۱۸] .البته همین شیوه پس از دوران غیبت سیره علما و دانشمندان بوده است و مجالس و محافلی را که برگزار می کرده اند با چنین اهدافی دنبال می شده است و عزاداری را برای عزاداری نمی خواسته اند، عزاداری را برای کسب فضیلت، احیای فرهنگ حسینی می خواسته اند، اما در دوران های اخیر اندیشه های انحرافی در میان برخی از عوام و شبه عوام رسوخ کرده

و این فکر خواه ناخواه مرتبط به عزاداری و گریستن شده است. این گروه گمان کرده اند که امام حسین علیه السلام قیام کرد و کشته شد تا گناهان ما به وسیله گریه بخشوده شود و یا در مجموع چنین وانمود می کنند که هدف از کشته شدن اباعبداللّه شفیع شدن امام علیه السلام برای ما انسان های بیچاره و معصیت کار است و ما با عزاداری زمینه این شفاعت را فراهم می سازیم. و یا گریستن برای خوشحال کردن دل حضرت زهراعلیها السلام است و چیزهایی از این قبیل که توسط عده ای بی سواد و کاسب کار و برای رونق تصنعی مجالس ترویج می شود. در حقیقت این اندیشه، بیراهه بردن فلسفه عزاداری و فلسفه نهضت عاشورا است و چیزی است که نه با عقل جور درمی آید و نه با شرع، و نه هیچ یک از علما تفوه به این کلمات کرده اند و دقیقاً بر خلاف آن چیزی است که از معصومان رسیده است. مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می نویسد:ما با این سؤال مواجه هستیم که چرا ائمّه دین دستور دادند که عزای امام حسین علیه السلام همیشه اقامه شود و در نتیجه ما وقت ها و عمرها و پول ها و نیروها و انرژی ها هر سال در دو ماه محرم و صفر و بلکه در غیر این دو ماه صرف کنیم؟... دوستان نادان گفته اند کشته شد که گناهان امت بخشیده شود. جنبه آسمانی و خیالی به قضیه دادند، آن را گفتند که نصاری درباره مسیح گفته بودند. حقیقت همان است که خود امام حسین علیه السلام فرمود... باید گفت تکالیف شرعی بدون حکمت نیست. منظور این نبوده که همدردی و تسلیتی باشد برای خاندان

پیغمبر، به قول روضه خوان ها زهرا را خوشحال بکنیم. خیال می کنیم هر اندازه ما گریه بکنیم، تسلی خاطر بیشتری برای حضرت رسول و حضرت زهرا هست. چقدر در این صورت ما حضرت رسول و حضرت زهرا و حضرت امیر را که همیشه آرزوی شهادت می کشیدند و فخر خود می دانستد کوچک کردیم و خیال می کنیم هنوز بعد از هزار و سیصد و بیست سال در حال جزع و فزع می باشند، بلکه مقصود این است که داستان کربلا ـ به صورت یک مکتب تعلیمی و تربیتی همیشه زنده بماند. [۱۹] .پس این انحراف است که ما هدف حسین را آنچنان کوچک کنیم که او برای شفاعت افراد آلوده و گناهکار در قیامت قیام کرده است. این تحریف نهضت حسینی است که حسین را «فدایی امت گنهکار» معرفی کنیم و مقصد اصلی آن بزرگوار را در این درجه تنزل دهیم که مجالس سوگواری برای بخشیده شدن گنهکاران برگزار شده است. این بیراهه بردن مقصد بزرگ حسین است که جمعی از بوالهوسان و بندگان هوی و شهوت هر کاری خواستند انجام دهند و هر گناهی را که اراده کردند مرتکب شوند و با این حال آسوده خاطر باشند که با چند قطره اشک تمام گناهان آنان بخشیده شود، و تمام آن اعمال ننگین برطرف می گردد. اگر کسانی در صراط حسین قرار گیرند و حسینی شوند، امید است که خداوند گناهان آنها را ببخشد، اما نه اینکه حسین برای این امر به شهادت رسیده است و مجالس عزا برای چنین مقصدی به پا می شود، و هدف از اقامه عزا برای چنین چیزهایی است.

استوانه های تعظیم و تجلیل

اشاره

در پیش گفتیم که چگونه عزاداری ها به پا

شد و دلیل و فلسفه آن عزاداری ها چه بود. در اینجا بحث دیگری را مطرح می کنیم که پایه ها و ارکان اصلی این مجالس چیستند، و از چه استوانه ای تشکیل می گردند. اگر این بحث به خوبی تبیین شود، هم تا اندازه ای فلسفه عزاداری و گریستن بر اباعبداللّه روشن می شود، و هم جهت گیری آن مشخص می شود، و موضوع بحث ما را که اصلاح وضعیت محافل و مجالس و هیئت های مرثیه خوانی باشد آشکار می کند.واقع آن است که عزاداری حسین علیه السلام بر دو پایه اساسی استوار است. استوانه بعد عاطفی، و استوانه جهت گیری عقلانی. آنچه موجب حیات و دوام نهضت می گردد و موجب فراموش نشدن عاشورا می شود و جنبه حماسه و پیام حسین علیه السلام را تضمین می کند، روضه خوانی و عزاداری و ذکر مصیبت و بعد عاطفی است و آنچه هویت نهضت را تشکیل می دهد و روح و حقیقت قیام حسینی است و در فلسفه قیام اباعبداللّه آمده است و اصل و اساس آن است، حفظ دین و عدالت و آزادگی و مبارزه با ستم و تنفر از آشتی پذیری و هجوم به دشمن است که در مجموع در بعد عقلی و جهت گیری عقلانی عزاداری خلاصه می گردد.این دو مکمل یکدیگرند و هیچ کدام بدون یکدیگر این هدف را به مقصد نمی رساند. برای اینکه بتوانیم این موضوع را بهتر بازگو کنیم به توضیح یکایک آنها می پردازیم:

ابعاد عاطفی

اشاره

از آنجا که دستور رسیده است که اقامه عزا شود، گریه بر مظلومیت حسین بشود، مرثیه سرایی و نوحه خوانی بشود، حتی اگر کسی نمی تواند گریه کند، خود را به گریه درآورد، فهمیده می شود که باید نسبت به قضیه کربلا احساسات و عواطف متوجه گردد. برای تعظیم، آگاهی و

توجه به حماسه کافی نیست، تأثر و دل سوختن و تصویر کردن آن حوادث در دل لازم است.اکنون این سؤال مطرح است، چرا چنین دستور داده شده است و چرا از عاطفه بهره گیری شده است، و لازم شمرده شده و اصولاً چه نقش و اثری در این کار است؟برای روشن شدن این موضوع ناچاریم با مقدمه ای نقش عاطفه در زندگی انسان و اجتماع و رابطه عاطفه و انفعالات انسان از عاطفه را بیان کنیم، و نشان دهیم چگونه عاطفه راه را برای یک حرکت عقلانی هدفمند فراهم می سازد، در آن صورت نقش گریه و تأثیر آن روشن می گردد.عاطفه از مهم ترین عناصر شخصیت آدمی است. عاطفه است که راه و روش و رفتار انسان را تعیین می کند، از این رو عواطف دارای نقش اساسی در طرز زندگی است.به عبارت دیگر، عواطف چاشنی زندگی و نیروی محرک فعالیت های روانی انسان به شمار می رود. اگر فرمان عاطفه و مهر و محبت نبود کمتر مادری شب ها را در جوار گاهواره فرزند تا صبح بیدار می نشست. کمتر قهرمانی برای سرافرازی و نجات ملت خویش به فداکاری و جانبازی مبادرت می ورزید. نیروی شدید و عظیم عواطف است که کاشفین بزرگ را به قعر اقیانوس ها و فراز آسمان ها می کشاند. انسان دوستان بزرگ و منجیان ناستوده بشریت، همه نیروی استقامت و بردباری و فداکاری خویش را مدیون نیروی شگرف «حیات عاطفی» و احساسات ارجمند خویشتن اند.عاطفه طبق تعریف روانشناسی جدید، عبارت از یک استعداد روانی است که از تمرکز یافتن گروهی از انفعالات پیرامون موضوع مشخصی در نتیجه تکرار برخورد و ارتباط فرد با موضوع پدید می آید. زیرا در گنجور آگاهی های فرد انگیزه ای برای

تمایلات مختلف وجود دارد و فرد از رهگذر و تکرار این انگیزش برای نشان دادن نوعی از واکنش و انفعال آمادگی می یابد، که این واکنش ها بر حسب اوضاع و شرایطی که فرد در آن شرایط متولد می شود، متفاوت می باشد. [۲۰] .عاطفه با چنین برداشتی عبارت است از روی آوردن وجدان به طرف موضوع معینی، که این روی آوردن از طریق آگاهی ها و یادگیری صورت می گیرد. عاطفه یک توده به هم پیوسته روانی است که انفعالات گوناگونی در آن تجمع می یابند. مثلاً علاقه به دین یا کشور و یا قهرمان، یک توده پیوند یافته روانی است که شماری از حالات وجدانی در آن فراهم می آیند و پی آمد تجمع این حالات که ما به دین و میهن و یا قهرمان دینی و ملی خود مباهی هستیم و به خاطر آن می جنگیم و خود را به کشتن می دهیم، در خود نسبت به آن احساس دلبستگی می نماییم و نسبت به آن در نگرانی به سر می بریم، و در ایفای وظایف مربوط به آن می کوشیم. پس هسته مرکزی عاطفه دین، میهن یا قهرمان و یا هر چیزی که مورد توجه ماست قرار می گیرد، و بر اساس آن فعل و انفعالات به وجود می آورد. همین طور در باب نوع دوستی و انسانیت که عاطفه انسان نسبت به برادر انسانی و یا دینی خود به هم می رسد. عاطفه انسانی، نوعی از علاقه انسان نسبت به انسان های دیگر است، که در سطح مختلف به ثمر می رسد و انسان در سایه آن به مشارکت و همیاری خود نسبت به وی در خوشی و ناخوشی و در مسائل و حوادث آنی و آتی استمرار

می بخشـد.چنین حالتی نسبت به «حب خدا» ایجاد می شود و توابعی همچون مطیع و منقاد شـدن، تحمل سـختی ها را کردن، ایثار و فـداکاری نمودن و یکسـری لوازم را به دنبال خواهـد داشت.پس این تمایلات است که پایه و اساس عاطفه را پی ریزی می کنـد، زیرا عواطف آدمی را تحت تأثیر تفکر و دقت و تجربه های مختلف انفعالی رو به رشـد می گذارد. بدین سان علاقه و دلبستگی به افراد جـامعه یـا عشق به خـدا و انس به او به عنوان اسـاس تمایلات قرار می گیرد.از جمله عواملی که به تکوین عـاطفه مـدد می رسانـد، تکرار و تلقین است، که این خود محرک فعالیت های عاطفی انسان می گردد.با توجه به این مقـدمه، اهمیت عزاداری و فلسـفه آن و جایگاهی که می تواند در زندگی انسان داشـته باشد روشن می شود. زیرا برگزاری عزاداری و اسـتماع حوادث غم انگیز عاشورا و حماسه فداکاری حسـین بن علی علیه السلام و یاران او چنین نقشی ایفا می کند، و محرک فعالیت های شگرف و احساسات ستایش آمیز می شود، بویژه اگر این داستان بارها و بارها تکرار و تلقین شود، در آن صورت در عاطفه انسان رسوخ می کند و تمایلات و سرافرازی و شادمانی در گرایش به آن ارزش ها در او ایجاد می گردد و شجاعت ها و شـهامت های بازگو شده در او شـهود عینی پیدا می کند.البته و صد البته این تأثیرها بسـته به این است که در بازگویی آن حوادث چه گفته شود، اگر از حمـاسه عـاشورا و فـداکاری و عزت نفس و ایثـار و منـاعت طبع وعـدالت خواهی و ظلم ستیزی گفته شود، عاطفه شـنونده به همان سـمت تمایل پیدا خواهد کرد و شـنیدن و تصویر کردن آن حوادث، تمایلات آن ارزش ها را در دل انسان

به بار خواهد آورد، و اگر چیز دیگر گفته شود، مثل آنچه برخی نوحه سرایان ما از خود می سازند و خواهش و تمنای حسین برای نوشیدن جرعه ای آب ذکر می کنند و یا ذلت زینب و عجز و لابه وی را در برابر لشگریان دشمن ذکر می کنند، همان در دل رسوخ می کند.اکنون کاری به این بحث نداریم، فقط اشاره کردیم و آنچه مورد نظر ماست، تأثیر شگرف عاطفه و شور و هیجانی است که این شکل از برخورد در زندگی انسان بجای می گذارد، چیزی که از درک عقلی برنمی آید و کارسازی ندارد، و امامان معصوم خواسته اند با تشکیل مجالس و محافل عزا این حرکت حسینی را بیمه کنند و برای همیشه در خاطره ها جاودان سازند.در تأیید این روش و به همین دلیل علمای اخلاق اهتمام عظیمی دارند که با بهره گیری از حیات عاطفی درس اخلاق و تزکیه نفس را در دل ها جای دهند و محیطی را فراهم می آوردند که در آن عواطف عالی و شایسته به وجود آید، و خودسازی به ثمر رسد. در این کانون ها و مجالس وعظ، افزون بر ذکر تجربه خودسازی، یاد سالکان و عارفان گرمی بخش آن محافل است. سالکان و عارفان بزرگی که در کار خود موفق بوده اند و با تصرفات غیر طبیعی و کرامت ها قدرت فوق العاده خود را به منصه ظهور رسانده اند.بنابراین، هر قدر شناخت و معرفت انسان نسبت به موضوعی افزایش یابد، و ذهن ها به آن سمت تمرکز داده شود، عواطف که محور و هسته مرکزی برای آن موضوع است، رو به شدت و فزونی می گذارد، و نیرو بخش درک انسان می گردد و گرمی و شادابی در کار به وجود می آورد

که از توان عقـل و اسـتدلال چوبین برنمی آیـد.از نکـات قابـل توجه در حیـات عـاطفی، انتقـال و جابجـایی از یک موضوع به موضوع دیگر و از یـک مرحله به مرحله دیگر در زنـدگی انسـان است. مثلاًـ علاـقه به قهرمـانی، موجب محبت به متعلقات آن قهرمـان می گردد و این انتقـال و جابجـایی را به همه جوانب آن به وجود می آورد و عـاطفه و دوستی را قوت می بخشـد و به عشق و دلباختگی مبدل می شود. از این رو کسـی که خدای متعال را دوست می دارد، هر امری را که متعلق به اوست دوسـت می دارد، و کسی که قهرمانی را دوست می دارد، تمام متعلقات او را دوست می دارد.

نقش گریه در تحریک احساسات

بـا توجه به آنچه در بـاب حیـات عـاطفی گفته شـد، و جایگاه حیات روانی وجـدانی و عاطفی بیان شـد، تأثیر و نقش گریه در تحرک و زنده ماندن خاطره حماسه سازان عاشورا روشن می گردد، زیرا تأکید بر گریه (گریسـتن و گریاندن) و اقامه مجالس و مرثیه خوانی چنین نقشـی ایفا می کنـد، و حیات عاطفی را در چنین جامعه ای نهادینه می کند و انتقال و جابجایی از موضوع به موضوعات وابسـته به قیام اباعبداللّه علیه السـلام را فراهم می سازد و علاقه و عشق به حسـین، عشق به عزت، فداکاری، سـتم ستیزی، احیای دین و همه ارزش های منشور نهضت حسـینی را به ارمغان می آورد.در اینجا مناسب است که به اشکالی که در باب گریه شـده پرداخته شود:برخی از مخالفان گریه، چنین گفته اند: شـیعه شده مذهب گریه، هر جا که می روی و هر محفل که برگزار می گردد، به گریه ختم می شود! اگر حسـین پیروز شـد و یزیـد مغلوب، بایـد شادمـانی و خوشـحالی کرد، چنـانچه مسیحیان پس از مرگ و

صلیب کشیدن عیسی (طبق عقیده خود) شادی و خوشحالی می کنند و مرگ او را وسیله سعادت و شفاعت خود می دانند. بنابراین، شهادت حسین وسیله سعادت و موجب خوشحالی ماست نه گریه و عزا.از طرف دیگر می گویند: گریه و زاری ما آرام بخش رنج ها و مصیبت های آنها نخواهد شد، و سودی به آنان و ما نخواهد رسانید و اگر در زمان خود آنان، گریه نوعی همدلی و همراهی با اهل بیت تلقی می شده، در این عصر دیگر این معنا نتیجه ای ندارد و اعتراض بجایی ندارد.در پاسخ باید بگوییم: همان طوری که در آغاز در بحث حیات عاطفی اشاره کردیم، زندگی عقلانی بدون عاطفه انسان را گرفتار جمود می کند و از حالت پویندگی و حیات و نشاط و شادابی تبدیل به جمود و افسردگی می سازد، عاطفه بدون عقل و منطق انسان را دچار تعصب و خودسری و چموشی و عصیان و حرکت های کور و بی هدف و دچار کارهای بی محتوا و بی خاصیت می کند. شیعه اگر بر حسین بن علی علیه السلام می گرید، نشانه تأثر نسبت به مظلومیت حسین و خاندان نبوت و اعتراض به ستمی است که به آنان روا شده است و این اعتراض نه تنها بر یزید است، بلکه بر یزیدیان تاریخ است، و در حقیقت گریه بر حسین، اظهار محبت بر آرمان والا و ایده عالی حسین است، نوعی عشق و علاقه و پیوستگی با راه و هدف مقام ولایت و عصمت است.اما اینکه گفته می شود گریه روح ملت های مسلمان را خمود و شکسته بار می آورد و آنها را افسرده خاطر و سرافکنده می کند و زمینه تحمل ستم را فراهم می سازد، چون اعصاب آنها با گریه و زاری تخدیر

شده؛ درست نیست، زیرا همه گریه ها برخاسته از عجز و ذلت نیست. اشک ها برخی نشانه محبت و جذبه و عشق و موالات و برخی نشانه شوق و خوشحالی است و در عزاداری امام حسین علیه السلام، نشانه همدلی و همراهی است نه سرافکندگی و افسردگی؛ اشک ها و ناله ها بیانگر محبت قلبی و عشق و جذبه و ارتباط قلبی با خاندان پیامبر است.اما اینکه گفته شد زمینه تحمل ستم حکومت های ستمگر را فراهم می کند، این کلام به شهادت تاریخ خلاف واقعیت است. اگر عزاداری ها درسی برای شهامت و فداکاری باشد، اگر دعوت برای رهایی از ستم ستمگران باشد، نه تنها زمینه پذیرش زورگویان را از بین می برد، بلکه کانون وحدت و هماهنگی برای مبارزه و قیام و معهد آموزش و هدایت دین است.قبول داریم که همیشه گریه ها چنین نیستند و گریه می تواند جهت خوب و بد داشته باشد، اما اتفاقاً آنچه در فلسفه قیام حسین و عزاداری حسین آمده است گریه لذت بخش و درس آموز و روشنگر دل هاست. فرق است بین مکتبی که گمان می کند عیسی برای بخشیدن گناهان مسیحیان به دار آویخته شده است، و عقیده بخشایش گناه با آن تراژدی توصیف شده را عنوان می کند با مکتبی که اهداف و فلسفه قیام حسینی را درس مبارزه و قیام می داند و معتقد است با گریه همیشه شعله نهضت فروزان تر می شود.در باب گریه و جایگاه آن سخنان و اشعار بسیاری است، حافظ می گوید:دل سنگین تو را اشک من آورد به راه سنگ را سیل تواند به لب دریا بردبیارای شمع اشک از چشم خونین که شد سوز دلت بر خلق روشنیا شاعری دیگر می گوید:گریه بر هر

درد بی درمان دواست چشم گریان چشمه فیض خداستبنابراین، گرچه ما مسائل اصلی محافل عزاداری را گریه نمی دانیم و معتقدیم باید این انجمن ها کانون فکر و اندیشه و بیان احکام و هدایت جامعه و ذکر فلسفه قیام حسین باشد، اما محفل حسینی هم نمی تواند بدون گریه و اشک ریختن بر حسین باشد و گرنه قابل تداوم نخواهد بود، آن اثرات و نتایج هدایتی را به وجود نخواهد آورد. بدون شک، مظاهر و مناسک و اعمال دینی و روح معنوی در سایه مرثیه سرایی و حضور حیات عاطفی تداوم بخش است، زیرا اگر علم و عقل نقشه می کشند، و راهنمایی می کنند، اما حرکت و جوشش و خروش نخواهند داشت و درس ایستادگی و مقاومت نخواهند داد، آنچه حرکت و جنبش می دهد، عاطفه و احساس است و گریه انعکاسی از عاطفه انسان و بیانگر علاقه و تماس روحی فرد با حادثه غم انگیز و یا شورانگیز است. با نگاهی به این مجامع و محافل و حجم انبوه حرکت های انقلابی این نکته کاملاً مشهود و نیازی به پیش از این بیان نیست.

ابعاد عقلانی

آنچه تاکنون گفته شد در ابعاد عاطفی حماسه عاشورا بود، و گفتیم تعظیم و گرامی داشت عاشورا نوعی بهره گیری از عاطفه است و عاطفه از مهم ترین عناصر شخصیت آدمی است، و عاطفه در طرز رفتار و ادراک و تفکر و یادآوری و تداعی افکار و ایجاد معتقدات و تعدیل آنها ظاهر می شود، حتی عواطف اثر خود را روی حکمی که انسان صادر می کند و روی داوری های او بجای می گذارد، به همین دلیل عاطفه به تنهایی کافی نیست و این عقل و شرع است که همچون چراغ باید راه را برای

عاطفه روشن کند و او را با منطق سازگار کند.به عبارت دیگر، سخن از برگزاری مجالس عزاداری حسینی و سخن از تعادل عواطف است. بحث از عقلانی کردن عزاداری ها و جهت صحیح دادن و شرع پسند کردن نوع عزاداری ها است. عواطف با همه فوائد و لزومی که دارند، اگر از قاعده طلایی «حد وسط» خارج شوند و اعتدال خود را از دست بدهند و به سلاح عقل و شرح مسلح نشوند، دچار افراط و تفریط می گردند و سخت زیانبخش و خطرناک خواهند شد. یا از آن طرف آنچنان می شود که منکر لزوم عزاداری می شود، و یا برای تحقق عزاداری دست زدن به هر کاری را جایز می شمارد. برای گریاندن خلق اللّه هردروغی را جایز می شمارد. آسیب رساندن به خود را نوعی عزاداری و تعظیم شعائر می شمارد، پیروی کردن از سنّت های غلط فرهنگ های دیگر برای نمایش عزاداری را نوعی ابراز عواطف می داند.در اینجا چه بکنیم که از تسلط و حکومت مطلق عواطف به دور شویم و دچار عقاید و افکار آشفته و توأم با تعصب نشویم، دچار عقاید و رفتاری نشویم که دلیلی منطقی و شرعی بر آن نداریم که هیچ، موجب سخریه و استهزاء دیگران می گردد و سلاح برنده ای بر علیه شیعه و علاقه مندان به اهل بیت پیغمبر می شود. آیا واقعاً چه می شود که گمان می شود قمه زدن و خود را سراپا خون آلود کردن جزء عزاداری حسین است و از مظاهر شعائر دینی و اسلامی است. این چه نوع احساساتی است که نه با منطق جور درمی آید و نه با شرع.به گمان می رسد، مشکل اصلی این انحرافات و بها دادن بیش از اندازه به عواطف به

هر قیمتی که شـده، تابع عوام شـدن است. دور شدن از اهداف نهضت حسـینی و ناآگاهی از روح این حرکت و بی توجهی به پیـام هـای حضـرت اباعبـداللّه علیه السـلام و ندانسـتن فلسـفه عزاداری سـلحشوران کربلاـست.آری بی توجهی به ابعاد عقلانی حمـاسه عـاشورا است که موجب دور افتـادن از فلسـفه قیـام می گردد و مـا را گرفتار عواطف کور و بی منطق و کردارهای بی محتوا و زیان آور می سازد. و وسـیله ای برای تهاجم دشـمنان علیه تشیع و عقایـد راستین آن می گردد.از همین جا روشن می شود که گرچه بعـد عـاطفی در مسـئله عزاداری بسـیار مهم است، امـا اسـتوانه عقلاـنی کردن جهت عزاداری هـا اصل و اساس است، و اگر اعمال و کارهای ما در عزاداری مجموعاً منطبق با روح نهضت نباشـد و با هدف و مقصد عزاداری سازگار نباشد، بعـد عـاطفی ارزش و فایـده ای نـدارد، بـه همین دلیـل حضـرت امـام خمینی رحمه الله بـا آن همه تأکیـداتی که روی عزاداری حسـینی دارنـد و برای گریه نقش فوق العاده ای قایلنـد، اما تأکید دارند که ما باید جهت گریه را روشن کنیم و برای عزاداری حسـین هدف و مقصدی داشته باشیم، و گریه هدف نیست:شما انگیزه این گریه و این اجتماع در مجالس روضه را خیال نکنید که فقـط این است که مـا گریه کنیم برای سیدالشـهدا، نه سـید الشـهدا احتیـاج به این گریه هـا دارد، و نه این گریه خودش فی نفسه یـک کاری از آن برمی آیـد. لکن این مجلس ها مردم را همچون مجتمع می کننـد و یک وجهه می دهنـد، سـی میلیون، سی و پنج میلیون جمعیت در دو ماه محرم و صـفر و خصوصاً دهه عاشورا یک وجهه، طرف یک راه می روند. بی خود بعضی از ائمّه ما نمی فرمایند که برای

من در منابر روضه بخوانند. بیخود نمی گویند ائمّه ما به اینکه هر کس که بگرید، بگریاند یا صورت گریه و گریه کردن به خودش بگیرد اجرش فلان و فلان است. مسئله، مسئله گریه نیست، مسئله، مسئله تباکی نیست، مسئله، مسئله سیاسی است که ائمّه ما با همان دید الهی که داشتند، می خواستند که این ملت ها را با هم بسیج کنند و یکپارچه کنند، از راه های مختلف، اینها را یکپارچه کنند تا آسیب پذیر نباشد. [۲۱] .البته حضرت امام در این سخنرانی به یکی از فواید عزاداری اشاره کرده اند و گرنه جنبه های دیگر عزاداری مانند بیان احکام، آگاهی سیاسی، کسب فضیلت ها و احیای اسلام از اموری هستند که در فلسفه و فواید عزاداری نهفته است. در هر صورت، آنچه مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد، این است که گریه هدف نیست، گریه اصل و اساس نیست، اصل و اساس اهدافی است که حسین به خاطر آن قیام کرد و شهید شد و معیار و ملاک برای انطباق دادن عزاداری بر قواعد شرعی و عقلی است و به تعبیر استاد محمّدرضا حکیمی:روضه خوانی و عزاداری، مظهر بعد سوم عاشورا است، یعنی مصیبت جنبه احساسی و عاطفی دارد، و برای فراموش نشدن عاشوراست، تا جنبه حماسه و پیامش زنده بماند. پس این بعد هنگامی ارزش دارد که با منشأ اصلی آن، از هر حیث مطابق باشد، بنابراین، همان گونه که مصیبت عاشورا در خدمت حماسه دین و عدالت بوده است، باید مجالس ذکر مصیبت نیز در خدمت همان حقیقت والا باشد تا معنا دهد، و به مسخ ماهیت عاشورا نینجامد، و مورد رضای خدا و قبول امام باشد.

[۲۲] .استاد شهید مطهری نیز به همین معنا اشاره می کند و اصل و اساس را در عزاداری بهره گیری از حماسه حسینی می داند:اینکه من تأکید می کنم که حماسه حسینی و حادثه کربلا و عاشورا باید بیشتر از این جنبه مورد استفاده قرار گیرد، به خاطر درس های بزرگی است که این قیام می تواند به ما بیاموزد. من مخالف رثا و مرثیه نیستم، ولی می گویم این رثا و مرثیه باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس قهرمانی حسینی را در وجود ما تحریک و احیا بکند. حسین بن علی یک سوژه بزرگ اجتماعی است. حسین بن علی در آن زمان یک سوژه بزرگ بود. هر کسی که می خواست در مقابل ظلم قیام بکند، شعارش «یا لثارات الحسین» بود. امروز هم حسین بن علی علیه السلام یک سوژه بزرگ است، سوژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام، برای اینکه احساسات و عواطف عالیه اسلامی در وجود ما احیا بشود. [۲۳].

چگونگی برگزاری عزاداری ها و مشکلات آنها

منظور در اینجا برگزاری همه نوع محافل و مجالس، دسته ها و هیآت و نمایش ها و هر کاری است که به نوعی یادآور خاطره غم انگیز و حماسه آور کربلا- باشد.پیش از آنکه معیارهای صحیح و راه حل این چگونگی را بیان کنیم، باید جمع بندی نسبت به بحثهای پیشین داشته باشیم. و نگرانی خود را از به انحراف کشیده شدن و وارونه جلوه گر شدن قضیه عاشورا در ابعاد مختلف را بازگو کنیم. تأکید می شود: اگر شهادت حسین بن علی علیه السلام صرفاً یک جریان تاریخی سوگمندانه و حزن آور بود، اگر این حادثه، همانند دیگر حوادث تاریخی زندگی انسان بود،

این نگرانی نبود و بحث از وارونه شدن آن مطرح نبود، اما چون طبق تعالیم ائمّه این حادثه وسیله ای برای عبرت و درس آموزی است و نهضت حسینی مظهر یک حرکت حماسی در روح انسانی و جولان و هیجان در جهت سلحشوری و مقاومت و ایستادگی و دفاع از عقیده است، نمی توان انحراف از آن را نادیده گرفت، گرچه در بخش اندکی از جامعه باشد، گرچه در آغاز کوچک باشد. اما خواه ناخواه تأثیر آن عمومی و ضایعه آن آفت خیز است.حال این وارونگی می توانـد در چند جهت انجام گیرد:۱. تحریف در شکل بیان حادثه و دگرگون کردن قضایا و مقدمات حادثه کربلا. یکی از مشکلات عزاداری ها، توصیف غلط و ناصحیح از حادثه کربلا و مبتلا شدن به تحریف های لفظی و وارونه شدن حوادث است. به این معنا که مرثیه خوان برای اینکه مجلس را گرم کند و شور و ویلا ـ در جلسه راه بیندازد و مردم را به گریه درآورد، چیزهای ساختگی را از کتاب های ضعیف و غیر قابل اعتماد نقل می کند، و یا اشعاری را به زبان حال می خواند که هرگز نمی تواند با شرایط و موقعیت امام و یارانش و قهرمان کربلا ـ یعنی زینب کبری سازش داشته باشد و گاهی این تراژدی خیلی عجیب می شود، گوینده از خواب استفاده می کند و خواب هایی را نقل می کند، که هرگز با فرهنگ عاشورا سازگاری ندارد، در نتیجه حادثه کربلا شکلی مشوّش به خود می گیرد، حوادث در شکل مبالغه آمیز و اسطوره ای درمی آید و قهراً چهره نورانی و باعظمت حسین و یاران گرانقدرش، تاریک و ظلمانی جلوه گر می شود و حوادث و قضایا به شکل افسانه ای درمی آید.نمونه این تحریفات را برخی از

محققین و محـدثین نقل کرده انـد و مرحوم اسـتاد شـهید مطهری در کتاب حماسه حسـینی در بحث مفصل «تحریفات عاشورا» آورده است و برخی از محققـان معاصـر نیز این حرکت را تکمیـل کرده و مـوارد دیگری را به آن افزوده انـد، که اینجـا جـای تفضـیل و ذکر موارد آن نیست. [۲۴] .۲. تحریف در تفسـیر این حادثه. از مشـکلات دیگر، تحریف در تفسیر این حادثه است، بدین گونه که برخی آنچنان این حادثه را توصیف می کنند که حضرت شخصی مظلوم و بی جهت کشته شد و برنامه و جهت معینی نداشت، و نفله شد و ضایع گشت و خونش به هدر رفت و یا می گویند: از طرف خداوند مأمور بود و دستور خصوصی برای مبـارزه داشت و ما چه می دانیم برای چه مبارزه کرد، این مربوط به علم امام است و به ما ربطی نـدارد، در نتیجه قیام امام حسین جوری تفسیر می گردد که از حوزه عمل بشری و قابل اقتدا بودن خارج بشود و گریزگاهی باشد برای فرار از مسؤولیت های اجتماعی و تحلیلی غلط از تفاوت صـلح امام حسن و قیام امام حسـین.و یا در فلسـفه قیام حسـینی این تحریف در تفسیر را مواجه هستیم که حرکت آن سـلاله نبوت را برای فـدایی شـدن امت گنهکـار معرفی می کننـد و مقصـد اصـلی آن بزرگوار را شفاعت افراد آلوده و گناهکار در قیامت توضـیح می دهند.طبعاً این نوع تفسـیرها که حرکت قیام ابا عبدللّه را مبهم و غیر قابل دسترسـی می دانـد و از آن نوعی اختصاصـی بودن و غیر قابـل پیروی بودن استشـمام می شود و یـا حرکت قیام برای شـفاعت، کفاره گناهان و یا رفع مشکلات شخصی و برآوردن

حاجات مادی و مانند آن معرفی می شود، بدآموزی هایی را به دنبال خواهد داشت و اثرات آن، حرکت بزرگ نهضت را خنثی خواهد کرد.البته این نکته را هم بگوییم که این عقاید در دوران اخیر بسیار کاهش یافته و بر اثر رشد فکری جامعه ما جایگاهی ندارد، و کسانی که ناخودآگاه این تفسیرهای باطل را بیان می کنند اندکند و بیشتر در محیطهای عوام زده و تابع خرافات مطرح می شود، اما در هر صورت رسوبات این افکار هنوز در برخی از مرثیه سرایان ما وجود دارد و ما نباید به دلیل اینکه این انحرافات نادر و ضعیف اند، بی تفاوت باشیم و از مبارزه با کژی ها غفلت کنیم، زیرا باطل، باطل است و باید در هر صورت از آن پیشگیری کرد و نگذاشت در جامعه ما رسوخ کند و یا وسیله ای برای تبلیغات دشمنان اسلام گردد.۳. یکی دیگر از کژی ها که وارونگی در توصیف این حادثه را نشان می دهد، جهت دادن به قضایای جنبی و کم رنگ نشان دادن فلسفه حماسه کربلا و یا بی توجهی به آموزه های حادثه است.ممکن است برخی از حوادثی که مطرح می شود درست باشد، حقیقت هم داشته باشد، جزو معتقدات هم باشد، اما «وضع الشی ء فی موضعه» نباشد. هر چیزی در جایگاه خود نباشد.اینکه حسین علیه السلام و دستگاه عزاداری او وسیله ای برای قضای حوائج و مشکلات ماست، اینکه گریه بر حسین حقاً دارای خواص و آثار گوناگون است، اینکه اطعام و انفاق در راه خدا و در مجالس عزاداری چنین و چنان می کند، منکر ندارد، اما همه مسائل نهضت عاشورا اینها نیست و توصیف کردن نهضت عاشورا و محدود کردن آن به این مسائل و غافل شدن از

مسائل اصلی و درس های بزرگ نهضت، نوعی کژی و بی راهه رفتن و کم رنگ نشان دادن فلسفه حماسه کربلاست و طرح آن موجبات زدگی و بی اعتقادی را به بار آورد.ممکن است محافلی و مجالسی که برگزار می شود، در جهت نفی آن حقایق بزرگ نباشد، اما غفلت و اهتمام فوق العاده به مسائلی که اشاره شد و از یاد بردن فلسفه عزاداری خود نوعی تحریف باشد، چون در توصیف واقعیت، اگر کسی بخشی از واقعیت را گفت و بقیه را نگفت و یکی را کم رنگ و دیگری را پررنگ جلوه داد، خود نوعی تحریف است «حَفِظْتَ شَیْئًا وَ غابَتْ عَنْکَ اَشْیاءُ».شاید - همان طوری که اشاره شد - حجم کژی های دسته اول و دوم در زمان ما کم باشد و اهل اطلاع و فن، بیش از گذشته نسبت به تحریفات لفظی و معنوی حماسه حسینی حساسیت نشان داده باشند، امام سوگمندانه این نگرانی سوم بیشتر است، گرچه تحریف در نقل حوادث و تحریف در تفسیرهای تاریخی خود خطرناک است اما کم رنگ نشان دادن اصل و اساس فلسفه نهضت و توجه به جهت غم زایی حادثه و تمام داستان عاشورا را در قالب ناله و غم و اندوه و ضجه قرار دادن - به قول استاد شهید مطهری - نگران کننده است:اگر شهادت حسین بن علی علیه السلام صرفاً یک جریان حزن آور بود، اگر صرفاً یک مصیبت می بود، اگر صرفاً این می بود که خونی به ناحق ریخته شده است، و به تعبیر دیگر صرفاً نفله شدن یک شخصیت می بود ولو شخصیت بسیار بزرگی، هرگز چنین آثاری به دنبال خود نمی آورد. شهادت حسین بن علی، از آن جهت این آثار را به دنبال

خود می آورد... که نهضت او یک حماسه بزرگ اسلامی و الهی بود. از این جهت که این داستان و تاریخچه تنها یک مصیبت و یک جنایت و ستمگری از طرف یک عده ای جنایتگر و ستمگر نبود، بلکه یک قهرمانی بسیار بسیار بزرگ از طرف همان کسی بود که جنایت ها را بر او وارد کردند. شهادت حسین بن علی، حیات تازه ای در عالم اسلام دمید. [۲۵] .و در جایی دیگر دقیقاً این نگرانی را نسبت به محافل عزاداری مطرح می کند و می گوید:شعارهای ما در مجالس، در تکیه ها و در دسته ها باید محیی باشد نه مخدر، باید زنده کننده باشد نه بی حس کننده، اگر بی حس کننده باشد نه تنها اجر و پاداشی نخواهیم داشت، بلکه ما را از حسین دور می کند. این اشک برای حسین ریختن خیلی اجر دارد، اما به شرط اینکه حسین در دل ما وارد شود، آنچنان که هست در دل ما وارد بشود: «اِنَّ لِلْحُسَیْنِ مَحَبَّهً مَکْنُونَهً فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ» اگر در دلی ایمان باشد، نمی تواند حسین را دوست نداشته باشد، چون حسین مجسمه ای است از ایمان. [۲۶] .البته از آن طرف نگرانی هست، نگرانی از تفریط است، یعنی همان طوری که گروهی از سر افراطکاری نسبت به عزاداری حسین به جنبه های معنوی و هدایتی توجه نکنند، از آن طرف به مرثیه سرایی و گریه بی توجه باشند و اهتمام به بیان احکام و ارشادات و مسائل روز آنها را از ذکر مصیبت غافل کند و شور و هیجان و اقامه عزا به دست فراموشی سپرده شود.

پیشنهادات عملی

با توجه به آنچه در باب نگرانی ها گفته شد، ضرورت عنایت خاص به چگونگی برگزاری مجالس و نقش علما

و دانشـمندان و افراد آگـاه در این میـان روشن می گردد. زیرا این فرزانگـان هسـتند که نبایـد بگذارنـد عوام هر کاری که می خواهند بکنند، به گونه ای که در قضـیه عزاداری احیاناً خواص تابع عوام گردند، نگذارند که دروغ و داستان های ساختگی و بی محتوا و مخـالف با شأن ائمّه در مجالس و اشـعار راه یابـد و از حرکات مخالف شـریعتماننـد قمه زنی، پریـدن از آتش و ریخت و پاشـهای اسـراف گونه، جلوگیری شود.در این راسـتا چند حرکت لازم است:۱. معرفی منـابع معتبر و قابل اسـتفاده در قیام حسـینی. همچنین نقـد و بررسـی کتاب هایی که به نقل جعلیات و خرافات پرداخته انـد.۲. توجیه مردم از طریق بیـانیه ها و دسـتگاه های ارتباط جمعی و ایجاد حساسیت لازم نسـبت به وقایع دروغ و ساختگی. تا خود مردم نسبت به حرکت های منفی حساسـیت نشان دهند و از شـرکت در مجالس این چنینی خودداری کنند.۳. تأکیـد بر حداکثر اسـتفاده از مجالس عزاداری در جهت ارشـاد و هـدایت مردم بویژه در روزهـای تاسوعـا و عـاشورا که اجتماعـات بیشتر است و فرصت تبلیغ ممکن و اسـتثنایی است.۴. رعایت احکام و مقررات اسـلام و توجه به اهمیت آن در عزاداری ها حتی دستورات مستحبی از قبیل: نماز اول وقت و نماز جماعت و نپوشـیدن لباس های بدن نما در مجامع عمومی، و رعایت حال فقرا و مسـتمندان در اطعام ها.۵. مبارزه تبلیغاتی نسـبت به حرکـات مخالف شـئون اسـلامماننـد قمه زنی و از آتش پریـدن و یا برخی از شبیه خوانی ها.۶. برگزاری جلسـات و مجامع توجیهی در چند نوبت در سال برای مداحان و ذاکرین و روضه خوان ها و آشـنا ساختن آنان به اهداف و فلسفه حسینی و بازگو کردن خطرات انحراف از فلسفه عزاداری.

همچنین دعوت از رؤسای هیئت ها و دسته های عزاداری در جهت تبیین اهداف و پیشگیری از کارهای دون شأن امام حسین وعزاداری.۷. برگزاری جلسات توجیهی برای طلاب حوزه های علمیه و یادآوری نکات یاد شده.۸. تشویق شاعران در ارائه اشعار سوزناک با معانی بلند و مطابق با روح نهضت حسینی.بنابراین بهترین پیشنهاد برای اصلاح و بهبود وضعیت عزاداری ها، افزون بر بهره گرفتن از صدا و سیما و دستگاه های ارتباط جمعی و تأکید بر آشنایی با فلسفه عزاداری، ارائه راه حل های صحیح به طور مثبت است. یعنی روش صحیح و درست به مردم و مداحان و ذاکرین و وعاظ ارائه شود و به طور هماهنگ در همه مجامع اهداف نهضت حماسه حسینی بازگو شود و این حرکت تدریجی و آرام و ارشادی باشد و به گونه ای نباشد که خود این مبارزه عکس العمل منفی ایجاد کند و نتیجه زیانبار به بار آورد و یا تردیدهایی نسبت به اصل عزاداری به وجود آورد.

پاورقی

[۱] صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۶، پیام امام به ملت شجاع ایران به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم.

[۲] همان مدرک، ج ۱۶، ص ۲۱۸، بیانات امام در جمع گروهی از علما، تهران، سازمان مدارک علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

[۳] صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۵، بیانات امام در جمع گویندگان، وعاظ و خطبای مذهبی.

[۴] کشف الاسرار، ص ۱۷۳، تهران، بی تا.

[۵] حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۸۲، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.

[۶] ما را در هر نسلی عادلانی است که تحریف افراط گران و دروغزنی باطل گرایان را دور می سازند.

[۷] حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۷۷.

[۸] تفسیر آفتاب، ص ۲۶۵،

تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

[۹] درسی که حسین به انسان ها آموخت، ۳۹۲.

[۱۰] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۰.

[۱۱] حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۷۸.

[۱۲] صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۱۸، بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما و ائمّه جماعات...

[۱۳] بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۷۷، از چاپ بیروت.

[۱۴] مقتل الحسین، عبد الرزاق مقرم، ص ۱۰۰، قم، انتشارات بصیرتی، بی تا.

[۱۵] همان مدرک.

[۱۶] عِبْرَت: به کسر عین به معنی پند و اندرز، و به فتح عین به معنی اشک و اندوه است، لذا بعضی به گونه اوّل و بعضی به گونه دوم آن را معنی و توجیه کرده اند.

[۱۷] همان مدرک، ج ۱۰۳.

[۱۸] درسی که حسین به انسان ها آموخت، ج ۳۹۸.

[۱۹] حماسه حسینی، ج ۳، ص ۹۰.

[۲۰] روانشناسی از دیدگاه غزالی،سید محمّد باقر حجتی، ج ۲، ص ۱۶۱.

[۲۱] صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۳، بیانات امام در جمع وعاظ و خطبای مذهبی.

[۲۲] تفسیر آفتاب، ۲۶۴.

[۲۳] حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۷۵.

[۲۴] نگاهی به حماسه حسینی، صالحی نجف آبادی، این کتاب در ادامه و تکمیل و تحلیل نظرات و در برخی موارد نقد کتاب استاد شهید مرتضی مطهری نگاشته شده است.

[۲۵] حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۶۲.

[۲۶] همان مدرک، ج ۲، ص ۲۱۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹